

مطالعه انسان‌شناختی بازارچه‌های مشترک مرزی با

رویکرد انسان‌شناسی اقتصادی

(مطالعه موردی: تجارت مرزی در روستاهای مرز نشین شهرستان سردشت)*

خالد اسماعیل‌زاده: کارشناس ارشد برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی دانشگاه تهران*

(تاریخ دریافت ۸۶/۸/۲۱، تاریخ تأیید ۸۷/۷/۲۷)

چکیده

در سراسر مرزهای کشور ایران مرز نشینانی سکونت دارند که در زندگی خود دارای مشکلات بسیار و متعددی هستند. عمده‌ترین آن‌ها عبارتند از: بیکاری، فقر، کمبود درآمد و سرمایه، مشکلات امنیتی-سیاسی، کمبود زمین‌های کشاورزی، آب، مراکز بهداشتی، درمانی و آموزشی، کمبود راه‌های ارتباطی، شرایط بد آب و هوایی و بسیاری دیگر از این مسائل در این مناطق قابل مشاهده است. وجود این مشکلات باعث دگرگونی و تحول بسیاری در زندگی این مردمان شده است که آن‌ها را اجباراً به سوی معضلات و نابسامانی‌هایی چون مهاجرت قاچاق کالا، شورش و ناامنی در این مناطق، عدم هم‌نوایی با دولت مرکزی و ضد سیستمی عمل کردن سوق داده است. در جهت مقابله با مشکلات مذکور، دولت در سال ۱۳۶۷ به‌طور غیر رسمی و در ۱۳۷۲ به صورت رسمی اقدام به تأسیس بازارچه‌های مشترک مرزی نمود که در حال حاضر تعداد این بازارچه‌ها به ۵۲ بازارچه در سطح کشور رسیده است. از این لحاظ برای بررسی عملکرد این بازارچه‌ها و نقش و جایگاه آن‌ها در رفاه اقتصادی و وضعیت

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی است که در تاریخ ۸۷/۴/۹ در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران به راهنمایی آقای دکتر علی‌اصغر سعیدی و مشاوره آقای دکتر حمید انصاری دفاع شده است.

kesmaeilzadeh@gmail.com

* نویسنده مسئول: ۰۹۱۴۱۶۸۴۱۲۷

معیشتی مرزنشینان، مقاله حاضر سعی بر آن دارد که به مجموعه سؤالات زیر پاسخ دهد: بازارچه‌های مشترک مرزی چه نقشی در وضعیت رفاهی مردم مرزنشین ایفا نموده‌اند؟ آیا تأسیس این بازارچه‌ها تأثیر مثبت بر متغیرهای رفاهی (اشتغال، درآمد، تأسیسات زیربنایی و رفاهی و...) داشته‌اند؟ آیا بازارچه‌های مرزی در امر صادرات و واردات مرزی تأثیر مثبتی بر اقتصاد مناطق مرزنشین و کشور داشته‌اند؟ آیا بازارچه‌های مشترک مرزی در تحقق اهدافی که بر مبنای آن ایجاد شده‌اند موفق بوده‌اند یا خیر؟ و به دنبال آن تأثیر بازارچه‌ها بر حجم اقتصاد غیر رسمی و پدیده مهاجرت روستاییان در این مناطق مورد بررسی قرار می‌گیرد. این نوشتار حاصل پژوهشی میدانی از بازارچه مرزی سردشت است که با استفاده از روش تحقیق قوم‌نگاری و تکنیک‌های مصاحبه (مصاحبه با افراد مطلع کلیدی) و مشاهده (مستقیم و غیر مستقیم) انجام شده است. در این بررسی ۵ روستای مرزی به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند تا بررسی دقیق روی آن‌ها انجام بگیرد. در نهایت با بررسی عمقی مسئله نتایج و دستاوردهای زیر حاصل گردید:

– فعالیت بازارچه‌های مرزی باعث ایجاد اشتغال مستقیم و غیر مستقیم (حمل و نقل بار و مسافر، عملیات بارگیری و...) مرزنشینان گردیده که سهم اشتغال غیر مستقیم به مراتب بیشتر از اشتغال مستقیم می‌باشد.

– فعالیت بازارچه‌های مرزی باعث افزایش درآمد مرزنشینان گردیده است که در این میان درصد کمی بیشترین درآمد و سهم اکثریت به مراتب کمتر می‌باشد.

– استقرار بازارچه و ایجاد اشتغال برای ساکنین مرزنشین نتوانسته از خیل عظیم مهاجران روستایی به شهر بکاهد اما در این میان از کنترل اقتصاد غیر رسمی در این منطقه تا حد زیادی کاسته است.

– بازارچه مشترک مرزی تأثیر شگرفی در تأمین مایحتاج نیازهای ساکنین مرزنشین نداشته و کالاهای مبادله شده عمدتاً رویکرد فرا استانی و فرا منطقه‌ای دارند.

در نهایت این‌که واقعیات موجود نشان می‌دهد که بازارچه‌های مرزی اگرچه در پاره‌ای موارد نقش مثبت و مؤثری داشته‌اند، ولی عملکرد چند ساله آن‌ها نشان می‌دهد که با اهداف اولیه تأسیس همخوانی ندارند.

واژگان کلیدی: مرز، مناطق مرزی، رفاه اقتصادی، بازارچه مشترک مرزی.

مقدمه

مناطق مرزی از نقاط حساس و استراتژیک کشور به شمار می‌آیند. طبیعت منزوی و غیر حاصلخیز مناطق مرزی به خصوص در عرصه‌های کوهستانی و بیابانی ایران، پیوسته به دلیل فقدان رفاه و نبود انگیزه‌های لازم برای زندگی، زمینه‌ساز مشکلات سیاسی، اقتصادی و امنیتی برای دولت‌های وقت بوده است. ناتوانایی‌های بالقوه در تولید، فقدان اشتغال، نازل بودن درآمد و عدم دسترسی به نیازهای اولیه، عمده‌ترین مشخصه اقتصادی-اجتماعی این مناطق است که

زمینه را برای قاچاق کالا در این مناطق فراهم می‌آورد (سازمان مدیریت، ۱۳۷۸: ۴۹). خالی شدن مرزها از سکنه و مهاجرت مرزنشینان به شهرهای بزرگ در اثر فقدان انگیزه‌های لازم برای زندگی در این مناطق در گذشته تقریباً روند رو به افزایشی داشته است که تأثیر آن در امنیت مرزها به وضوح قابل لمس بود (وزارت بازرگانی، ۱۳۷۹: ۱). برای ایجاد امنیت در ۸۷۵۵ کیلومتر از مرزهای ایران با کشورهای همجوار، حضور مردم در مناطق مرزی ضروری است (بررسی‌های بازرگانی، ۱۳۷۶: ۶۶). توجه به طول مرز آبی جنوب (۱۸۸۰ کیلومتر) و مرز خاکی شرق (۱۷۱۶ کیلومتر) و غرب کشور (۱۸۲۴ کیلومتر) روشنگر این واقعیت است که اولاً کنترل این مرزها با توجه به شرایط اقلیمی با یکدیگر متفاوت است و ثانیاً تأمین امنیت آن بدون اتکا به مساعدت مرزنشینان امری مشکل می‌باشد. (وزارت بازرگانی، ۱۳۷۹: ۵). از آن‌جا که حفاظت از مرزهای هر کشور از اهم مسائل حکومت است، دولت‌های یکصد ساله اخیر حاکم بر کشورمان سیاست‌های متعددی را برای مرزنشینان اتخاذ نموده‌اند. این سیاست‌ها عمدتاً به منظور کاهش بحران بیکاری، فقر، مفاسد گوناگون اجتماعی، ایجاد اشتغال، کاهش قاچاق کالا، برقراری عدالت اجتماعی، کاهش انگیزه‌های مهاجرت و... بوده است. توجه به امور اقتصادی مردم به نوعی در خدمت اهداف سیاسی بوده است، زیرا رفاه اقتصادی مردم را ترغیب به ماندن در مرزها نموده و حفاظت از مناطق مرزی را برای حکومت تسهیل می‌کرده است. همچنین مرزنشینان به هنگام بروز بحران‌های سیاسی مثل جنگ، مدافعان اولیه و اصلی حدود و ثغور کشور می‌باشند. لذا مسائل مردم مناطق مرزی نیز در کانون توجه آنان قرار می‌گیرد.

اگر فرایند توسعه را کوششی هوشمندانه جهت ارتقای سطح کیفی زندگی مردم بدانیم، باید اذعان داشت که نیاز کشوری همچون ایران به فرایند توسعه خصوصاً توسعه روستایی و مناطق مرزی و محروم بسیار مشهود است. برخی مناطق مرزنشین از گذشته به لحاظ ناتوانی‌های طبیعی، خصوصیات اجتماعی و قربات‌های قومی با مردم مرزنشین آن سوی مرزها، پیوسته انگیزه‌ساز بسیاری از حرکات غیر قانونی و مبادلات ناخواسته، بوده است. اثرات منفی این مبادلات بر پیکر امور اقتصادی - بازرگانی کشور، آشفستگی و ناامنی ساختاری و عدم ثبات جمعیتی مناطق مرزنشین بر کسی پوشیده نیست. وجود چنین تفاوت‌ها و عدم تعادل‌های منطقه‌ای تأثیرات عمده‌ای در روند توسعه در مناطق مرزی بر جای گذاشته است.

گسترده‌گی طول مرزهای کشور و کوهستانی و صعب‌العبور بودن مرزها در اکثر نقاط، عملیات مرزبانی و کنترل مرزها را بدون مساعدت مرزنشینان مشکل کرده که این خود یکی از عوامل

گسترش قاچاق و دشواری مبارزه با آن می‌باشد. بنابراین مسائل امروزه عدم کنترل و عملیات پنهان قاچاق کالا موجب شده است تا دولت‌ها در سالم‌سازی مناطق مرزنشین به شیوه‌های نوینی از همکاری‌های منطقه‌ای هدایت شوند. این‌گونه همکاری‌ها در قالب بازارچه‌های مشترک مرزی از شناخته‌ترین روش‌های توسعه اقتصادی مناطق مرزنشین به شمار می‌رود (فخرفاطمی، ۱۳۸۳: ۲) که در نوع خود تحولی بنیانی در تولید، اشتغال، تثبیت جمعیت مرزنشین، کاهش قاچاق، افزایش سطح درآمد و به تبع آن افزایش رفاه شکوفایی و توسعه صنایع دستی و محلی، کاهش حجم قاچاق کالا، اهداف امنیتی من جمله، تأمین امنیت اقتصادی، ایجاد امنیت سیاسی مرزهای زمینی، ایجاد امنیت اجتماعی و نهایتاً به یک توسعه پایدار ناحیه‌ای که از جمله اهداف این بازارچه‌ها بوده ایجاد می‌نماید. (وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۷۱: ۸ و ۹).

بررسی تجارت مرزی در روستاهای مرزنشین سردشت

مطرح شدن این موضوع و پرداختن به آن به دلایل مختلفی اهمیت و ضرورت می‌یابد. تجارت مرزی مهم‌ترین فعالیت اقتصادی مردمان روستاهای مرزنشین است و مهم‌ترین شیوه معیشتی در مناطق روستایی مرزی به‌ویژه منطقه مورد تحقیق می‌باشد. اوضاع اقلیمی و شرایط اجتماعی و فرهنگی باعث شکل‌گیری فرهنگ تجاری خاصی شده و در مقابل تجارت نیز بر محیط فرهنگی اجتماعی تأثیرگذار بوده است. وضعیت نه چندان مطلوب کشاورزی و دامداری به عنوان دو شاخصه مهم اقتصادی در مناطق مرزی و وجود بیکاری و روی آوردن به مشاغل کاذب از جمله قاچاق کالا از یک طرف و تخلیه این مناطق و خالی از سکنه شدن مرزهای کشور از طرف دیگر باعث ایجاد مشکلاتی برای منطقه و کشور گردیده است. مهاجرت ساکنان مرزی غالباً زمینه برای امنیت و صلح را از بین می‌برند فلذا حفظ ترکیب جمعیتی مناطق مرزی از نظر حفظ امنیت و تمامیت ارضی کشور اهمیت دارد. با این حال اگر زمینه ایجاد اشتغال مناسبی در این نواحی برای جمعیت فعال فراهم نشود، نمی‌توان مانع از کاهش قاچاق کالا شد (بررسی‌های بازرگانی، ۱۳۷۶: ۵۸) از سوی دیگر مرزنشینان بیش سایر اقشار مردم در نقاط دیگر کشور از نظر اقتصادی آسیب‌پذیر می‌باشند. اگر به لحاظ مسائل اقتصادی مردم این مناطق دلگرم باشند، تأثیرات مخرب سیاسی و امنیتی هدایت شده و به‌طور چشمگیری کاهش می‌یابد (بررسی‌های بازرگانی، ۱۳۷۶: ۶۸) بنابراین «به منظور اسکان جمعیت مرزنشین، تثبیت مسائل امنیتی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی استان‌های مرز، در نظر گرفتن نقشی برای مرزنشینان و توجه به فعالیت اقتصادی و رفاه مرزنشینان امری ضروری است» (وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۷۵: ۱).

در مناطق مرزی که به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی از مناطق محروم محسوب می‌گردد، فعالیت‌های تجاری و مبادلات مرزی می‌تواند باعث رونق اقتصادی این مناطق و به دنبال آن ایجاد اشتغال و بهبود وضعیت زندگی مردمان آن گردد. با توجه به فقر اقتصادی مردم این مناطق، بازارچه‌های مرزی قابلیت آن را دارند که به مبادلات مرزی نظم لازم را بدهند و به‌طور هر چه بهتر از آسیب‌پذیری‌های امنیتی و قاچاق کالا در این مناطق جلوگیری کنند.

بنابر مسائل فوق لزوم شناسایی مسائل و مشکلات، همچنین پتانسیل‌های توسعه این مناطق به‌خصوص قاچاق کالا و کاهش آن به طریقی مختلف به نحو بارزی نمایان می‌شود. همچنین فرض بر این است که ایجاد بازارچه‌ها عاملی در جهت کاهش حجم اقتصاد غیر رسمی تلقی می‌گردند لذا اقدام سیاستی دولت در جهت زدودن فقر و تأمین امنیت و جلوگیری از تنش و بی‌ثباتی سیاسی در قالب ایجاد بازارچه‌های مرزی و میزان موفقیت آن امری مهم تلقی می‌گردد.

بر همین اساس در مقاله حاضر عملکرد بازارچه‌های مشترک مرزی مورد بررسی قرار گرفته که براساس بررسی مذکور به مجموعه سؤالات زیر پاسخ داده می‌شود:

- بازارچه‌های مشترک مرزی چه نقشی در وضعیت رفاهی مردم مرزنشین ایفا نموده‌اند؟
- آیا تأسیس این بازارچه‌ها تأثیر مثبت بر متغیرهای رفاهی (اشتغال، درآمد، تأسیسات زیربنایی و رفاهی و...) داشته‌اند؟
- آیا بازارچه‌های مرزی در امر صادرات و واردات مرزی تأثیر مثبتی بر اقتصاد مناطق مرزنشین و کشور داشته‌اند؟
- آیا کالاهای وارده به بازارچه نیازهای ساکنین مرزنشین را فراهم می‌سازند یا رویکرد فرااستانی و فرامنطقه‌ای دارند؟
- آیا بازارچه‌های مشترک مرزی در تحقق اهدافی که بر مبنای آن ایجاد شده‌اند موفق بوده‌اند یا خیر؟

- آیا بازارچه‌های مرزی در جلوگیری از مهاجرت ساکنان این مناطق موفق بوده‌اند؟
 - بازارچه‌های مشترک مرزی چه اثراتی بر جلوگیری و کاهش اقتصاد غیر رسمی داشته‌اند؟
- از این‌رو بررسی مذکور برای پاسخ‌گویی به سؤالات فوق، مدنظر قرار گرفت و به بررسی بازارچه‌های مشترک مرزی پرداخته شده است. هدف کلی از انجام این پژوهش بررسی توصیفی چگونگی انجام تجارت مرزی در روستاهای مرزی شهرستان سردشت است. تجارت به عنوان یک شیوه معیشتی اساسی در منطقه، چگونگی حمل و نقل کالاها، شکل‌گیری شغل‌های

مختلف در ارتباط با تجارت، تعداد افراد مشغول به این کارها، بررسی زندگی روزانه مردم از جمله اهداف جزئی این تحقیق در ارتباط با هدف کلی چگونگی انجام تجارت مرزی در این منطقه می‌باشد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر یک کار قوم‌نگاری است. روش انجام آن در بخش نظری، کتابخانه‌ای و اسنادی و در بخش عملی، پیمایشی می‌باشد. در روش اسنادی از فیش، اسناد، گزارشات و مقالات مؤسسات و وزارت‌خانه‌ها و سازمان‌های ذی‌ربط و در شیوه میدانی از پرسشنامه، مصاحبه (مطلعین کلیدی و افراد عادی) استفاده شده است. «قوم‌نگاری (به معنای تحت‌اللفظی آن نوشتن درباره اقوام) به گردآوری اطلاعات درباره فرهنگ‌های معاصر از طریق کار میدانی یا بررسی‌های دست اول اطلاق می‌شود. قوم‌نگاران معمولاً یک یا چند سال را صرف مشاهده و مصاحبه با مردمی می‌کنند که می‌خواهند آنان را توصیف نمایند» (بیتس و پلاگ، ۱۳۷۵: ۳۷). هدف انسان‌شناسان اقتصادی، تحلیل و شفاف ساختن تفسیر پدیده‌های اقتصادی از دیدگاه مردم‌شناسی و برملا ساختن اهمیت روابط متقابل اقتصاد و انسان‌شناسی است. سعی شده است در راستای اهداف تحقیق کلیه اطلاعاتی را که مرتبط با تجارت مرزی است جمع‌آوری گردد.

منطقه مورد بررسی

«شهرستان سردشت در استان آذربایجان غربی قرار دارد و با شهرهای پیرانشهر، بانه، مهاباد و بوکان همسایه است. طول نوار مرزی این شهرستان با کشور عراق ۹۶ کیلومتر است از جمعیت صدهزار نفری ۶۲۲۴۶ نفر آن در ۲۷۹ روستا زندگی می‌کنند.» (حکیم‌زاده، ۱۳۸۳: ۱) به لحاظ این‌که شهرستان سردشت منطقه‌ای مرزی است واضح است که فعالیت‌های تجاری مرزی یکی از فعالیت‌های اقتصادی مردم این منطقه می‌باشد. در تمامی طول نوار مرزی این شهرستان با کشور عراق خروج و ورود کالا به صورت قاچاق وجود دارد اما در سه نقطه مرزی خروج و ورود کالا با مجوز رسمی وجود دارد. در منطقه مرزی کیله^۱ در حال حاضر صادرات و واردات از طریق گمرکی و به‌طور رسمی صورت می‌گیرد. در همان حال در مناطق مرزی قاسم‌رش^۲ و اشکان نیز صادرات و واردات کالا با مجوز صورت می‌گیرد. اما در این مناطق مرزی صادرات و واردات کالا از طریق گمرک رسمی صورت نمی‌گیرد بلکه هنگ مرزی

1. keleh

2. ghasmarash

سردشت به این امر رسیدگی می‌کند و این امر بیشتر ایجاد یک فعالیت اقتصادی آزاد برای مردم منطقه است.

شهرستان سردشت شامل دو شهر ربط^۱ و میرآباد همچنین یک مرکز دهستان نلاس^۲ نیز می‌باشد که جمعیت آن رو به گسترش است. فعالیت‌های مغازه‌داری و صنعتی و به‌طور کلی فعالیت‌های داخل شهری در همه نقاط فوق وجود دارد نلاس که یک روستا است اما می‌توان گفت فعالیت‌های اقتصادی آن اکثراً شبیه به شهر است. به هر حال شهرستان سردشت چون منطقه‌ای مرزی است می‌توان گفت که اکثریت مردم به نحوی با تجارت مرزی در ارتباطند.

«کشاورزی در منطقه سردشت به علت کوهستانی بودن و ناهمواری و نداشتن آب کافی توسعه چندانی نیافته است بدان‌گونه که کشاورزی در مناطق اطراف این شهرستان هنوز مراحل اولیه خود را طی می‌کند» (حکیم‌زاده، ۱۳۸۳: ۲). به هر حال کشاورزی نمی‌تواند نیازهای روستاییان را تأمین کند و چه روستاهای مرزی و چه روستاهای غیر مرزی سعی می‌کنند به فعالیت تجاری در مرزها پردازند. مهاجرت به شهرهای دیگر برای کارهای می‌غداری، میوه چینی و کوره‌های آجرپزی هم در نقاط شهری و هم در نقاط روستایی مرزی و غیر مرزی کمابیش دیده می‌شود.

می‌توان گفت که منبع اصلی معیشت مردم این منطقه به همین تجارت مرزی وابسته است و در ایامی از سال که این مرزها از فعالیت می‌افتند (چه به دلیل سخت‌گیری نیروی انتظامی و چه به دلیل رونق گرفتن دیگر قسمت‌های مرزی منطقه) مردم این منطقه اکثراً مجبور می‌شوند به مناطق دیگر و یا شهرهای دیگر کشور برای کار کردن بروند.

تأسیس بازارچه‌های مرزی و توسعه مبادلات از طریق این واحدها عمدتاً به استناد ماده ۱۱ قانون مقررات و صادرات^۳ (قانون مقررات صادرات و واردات، ۱۳۴۴). و با اولویت دادن به هدف‌های زیر صورت گرفته است:

۱. ایجاد زمینه‌های اشتغال؛
۲. تأمین نیازهای کالایی مردم مرزنشین؛
۳. کاهش قاچاق مرزی؛

1. rabat

2. nalas

۳. ماده ۱۱ قانون مقررات صادرات و واردات به دولت وقت اختیار می‌داد با تشخیص مصلحت و رعایت اولویت‌هایی مانند استعدادهای محلی، ضرورت و میزان ایجاد اشتغال و توسعه روابط تجاری با کشورهای همجوار نسبت به تأسیس بازارچه‌های مرزی اقدام نماید.

۴. تثبیت جمعیت مرزنشین در نواحی مرزی و در این راستا افزون‌سازی ضریب امنیت در نقاط استراتژیک؛

۵. رونق بخشیدن به اقتصاد مناطق مرزنشین؛

۶. وقوف بر امکانات بالقوه تجاری کشورهای همسایه و گشودن باب مراودات با آن‌ها. جدا از اهداف ذکر شده، وزارت کشور در تاریخ ۱۳۷۱/۱۰/۲۸ گزارشی را در خصوص علل توجیه ایجاد بازارچه‌های مرزی در مناطق مختلف کشور به هیئت وزیران ارائه داد که از خلال آن می‌توان به برخی دیگر از اهداف عمده ایجاد بازارچه‌های مرزی همچون موارد زیر اشاره کرد:

۱. مسئله امنیت: یکی از دلایل ضمنی در ایجاد بازارچه‌های مرزی، افزایش ضریب اطمینان و امنیت در مناطق مرزی از طریق توسعه تجارت و بالتبع توسعه این مناطق می‌باشد. با توجه به این‌که در برخی از نواحی مرزی به دلیل شرایط جغرافیایی، انجام امکان برخی از فعالیت‌های تولیدی نظیر کشاورزی و دامپروری محدود می‌باشد، از یک طرف انگیزه اقامت در این مناطق برای اهالی مرزنشین بیشتر می‌شود و از طرف دیگر با حضور مردم ضریب امنیت در این مناطق مرزی افزایش می‌یابد (رازینی و باستانی، ۱۳۸۱: ۱۲).

۲. مسائل سیاسی: استان‌های مرزی از آن‌جا که با کشورهای همسایه مرز مشترک دارند، تمایل دارند که در چارچوب دیپلماسی کشور، روابط بهتر با همسایه خارجی داشته باشند تا بدین وسیله با انجام ملاقات‌ها و مذاکرات پیاپی در قالب یک همکاری مشترک طرح‌های استانی را بهتر اجرا نمایند.

۳. مسائل اجتماعی: در مناطق مرزی افراد ساکن همواره خواهان رفت و آمد با افراد ساکن آن سوی مرز می‌باشند. خواسته مذکور علاوه بر مسائل اقتصادی ریشه در مسائل عاطفی و نسبت‌های فAMILI ساکنان دو سوی مرز دارد. از این‌رو در چارچوب قانون و بدون بروز هیچ‌گونه عارضه اجتماعی می‌توان خواسته فوق را با احداث بازارچه برآورده ساخت (گمرک جمهوری اسلامی، ۱۳۷۸: ۳۸ و ۳۹).

۴. ایجاد اشتغال: غالب مناطق مرزنشین به دلیل شرایط طبیعی و ماهیت توسعه‌نیافته اقتصادی، قادر به عرضه پتانسیل‌های کافی برای اشتغال نیستند و در زمره مناطق منزوی به شمار می‌روند. ویژگی‌های اقتصادی، خصوصیات قومی و اجتماعی و بالأخره ضرورت‌های سیاسی این‌گونه مناطق ایجاب می‌کند که مسئله نیروی انسانی و اشتغال از ماهیت و ویژگی فوق‌العاده‌ای برخوردار باشد و در سطح سیاست‌گذاری‌های ملی طرح موضوع شود (عرب مازار یزدی، ۱۳۸۴: ۱۵۵ و ۱۵۶).

۵. جلوگیری از مهاجرت: بررسی وضعیت مناطق مرزی کشور نشانگر عدم شرایط مساعد

طبیعی برای افزایش اشتغال در بخش‌های کشاورزی و یا احداث صنایع یا قدرت جذب بالای نیروی کار می‌باشد. از این رو مهاجرت همواره یکی از عارضه‌های مبتلا به مناطق مذکور بوده است. بنابراین احداث بازارچه‌ها و رونق فعالیت‌های تجاری می‌تواند عاملی جهت کاهش مهاجرت از مناطق مرزی محسوب گردد (وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۷۵: ۳۸ و ۳۹).

۶. «فراهم آوردن زمینه مناسب برای شکوفایی و توسعه صنایع دستی، مصنوعات صنعتی و مواد معدنی استانی: با احداث بازارچه‌ها و تأمین امنیت در مناطق مذکور، زمینه مناسب برای سرمایه‌گذاری در صنایع کوچک فراهم می‌آید. زیرا تولیدات انجام شده از طریق بازارچه‌ها قابل صدور می‌باشد» (وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۷۵: ۳۸ و ۳۹).

به منظور تبیین روشن‌تر، اهداف تشکیل بازارچه‌های مرزی در دو سطح منطقه‌ای و ملی طبقه‌بندی و تشریح می‌گردد:

الف) اهداف منطقه‌ای

۱. «کاهش بحران بیکاری آشکار و پنهان از طریق ایجاد اشتغالی سالم در امر مبادله کالا؛
۲. تقویت و تثبیت اراده و نظارت دولت در جریان تردد کالا در چارچوب سیاست‌ها و خط مشی‌های دولت؛
۳. ساماندهی به مبادلات غیررسمی رایج به منظور تعدیل و تقلیل روحیه مقابله با قانون‌ستیزی و ایجاد بستری مناسب و قانونی برای کسانی که معیشت خود را از این راه تأمین می‌نمایند؛
۴. ارتقا سطح زندگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مناطق مرزی از طریق تأمین درآمدی مشروع و قانونی و فراهم نمودن بخشی از نیازهای روزمره ساکنان از بستر مبادلات مرزی» (دفتر هماهنگی و پیگیری مصوبه و طرح‌های محور شرق، ۱۳۷۲: ۲ و ۳).

ب) اهداف ملی

۱. «ایجاد محیطی آرام از طریق مشارکت فعال در روند بازرگانی خارجی کشور در نقاط حساس کشور؛
۲. کاهش بحران‌ها و تنش‌های اقتصادی - اجتماعی و تقلیل هزینه‌های امنیتی دولت در این مناطق؛
۳. واگذاری بخشی از کارکرد و تصدی دولت در تأمین مایحتاج کالایی ساکنان مناطق مرزی به مکانیزم مورد عمل در بازار و تعیین نقشی برای مناطق مرزی در تقسیم کار ملی همچنین کاهش هزینه‌های توزیع، حمل و نقل و ذخیره‌سازی که از این طریق میسر می‌گردد؛
۴. ایجاد زمینه‌های مناسب برای ادغام و پیوند ساختارهای اقتصادی - اجتماعی این مناطق با

ساختارهای نظیر در سطح ملی و تقویت و تحکیم مراودات و تبادلات فرهنگی ساکنان نقاط مرزی با مردمان سایر نقاط کشور (دفتر هماهنگی و پیگیری مصوبه و طرح‌های محور شرق، ۱۳۷۲: ۲ و ۳).

۵. ایجاد روابط عاطفی بین مرزنشینان و جلب اعتماد آن‌ها به دولت در جهت انجام وظایف صادقانه مرزی».

رویکردهای انسان‌شناختی اقتصادی بازارچه‌های مرزی

مفهوم بازار به عنوان اصلی‌ترین نمود اقتصاد به‌ویژه در جوامع در حال توسعه، به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی در مطالعات انسان‌شناسی اقتصادی همچنان تحت تسلط نظریه‌های اقتصادی است که در آن بازار صرفاً شامل روابط رسمی و عقلانی فراتر از روابط عقلانی معرفی شده است. در حالی‌که از نظر انسان‌شناسی اقتصادی، اهمیت بازار به حدی است که شهر بدون وجود بازار غیر قابل تصور است (کریمی، ۱۳۸۴: ۳ به نقل از Slater, 1993).

انسان‌شناسان معتقدند که رفتار اقتصادی کنشگران در بازار فقط توجیه‌گر کسب سود بیشتر نیست. به عبارت دیگر رسیدن به بیشترین منفعت مادی، تنها هدف ارزشمند افراد در عرصه بازار نیست، بلکه در چنین فضایی عاملان انسانی با در نظر گرفتن نیازها و اهداف غیر اقتصادی دست به انتخاب‌های فرهنگی می‌زنند.

از آن‌جا که الگوهای اقتصادی در جوامع توسعه یافته از سایر زمینه‌های اجتماعی تا حد بسیاری جدا شده است مانند گسترش بازارهای الکترونیک که در آن عنصر انسانی حذف شده و از طرف دیگر با توجه به ویژگی خاص جوامع در حال توسعه که در آن‌ها به عقیده پولانی «نظام‌های اقتصادی بسترمند هستند؛ یعنی حوزه اقتصاد درون زمینه‌های اجتماعی دیگری نظیر خویشاوندی یا دین قرار گرفته است که نمی‌تواند به صورت مجزا تحلیل شود (فکوهی، ۱۳۸۲: ۲۸۲).

بازار به مثابه عرصه اجتماعی و فرهنگی، همواره مکانی برای بخشی از فعالیت‌های انسان اجتماعی بوده است. در حقیقت بازار از دیرباز مکانی بوده که در آن حاصل فعالیت‌های انسانی مبادله می‌شده است. نتایج فعالیت‌های انسانی، به منزله محصولات فرهنگی، هم برای برآوردن نیازهای انسانی و هم به منظور عینیت بخشی به قابلیت‌های انسانی به بازار عرضه می‌شده است. از این‌رو بازار، از سویی جنبه اقتصادی و از سویی دیگر ابعاد اجتماعی و فرهنگی داشته است. در عین حال بازار مکانی است که در آن تبادل فرهنگی و مبادله محصولات و ارتباطات

انسانی توأمأ انجام می‌شود. به تعبیری بازار مکانی است که اقشار و طبقات و گروه‌های مختلف قومی و نژادی در ارتباط با یکدیگر قرار گرفته و به شکلی ناخودآگاه یکدیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهند و باعث اشاعه عناصر و پدیده‌های فرهنگی از یک حوزه فرهنگی به حوزه‌های دیگر فرهنگی می‌شود (اصغری خانقاه، ۱۳۸۱: ۱۵۹-۱۹۲).

محققان علوم اجتماعی و به‌ویژه انسان‌شناسان بر این باورند که اقتصاد در یک فضای ایزوله نیست و عمل اقتصادی با در نظر داشتن عوامل غیر اقتصادی مانند مسائل اجتماعی و فرهنگی قابل تعریف است (کریمی، ۱۳۸۴: ۲۵ به نقل از Cudman, 2000).

بی‌تردید این عبارت می‌تواند جایگاه عوامل غیر اقتصادی و تأثیر آن را بر عملکردهای اقتصادی نشان دهد. روابط انسان‌ها در زندگی روزمره شامل تبادلات و محاسبات قابل توجهی است که از یک طرف در حوزه کاملاً فرهنگی و غیر مادی قرار داشته و از طرف دیگر حکایت از عقلانی نبودن رفتار دارد.

در بررسی نظریات ارائه شده در حوزه علم اقتصاد، نظریه نهادگرا از جمله تئوری‌های قابل استفاده در مطالعات انسان‌شناسی اقتصادی است. در این الگو بیش از هر چیز نهادها مورد توجه پرستشگر می‌باشد. آنچه نظریه نهادگرایی را به انسان‌شناسی اقتصادی پیوند می‌زند، نگاه این نظریه به موضوع اقتصاد و تأکید آن بر نهادها و انسان اجتماعی (برخلاف انسان اقتصادی دیدگاه نئوکلاسیک) است. انسان‌شناسان اقتصادی نیز به دلیل توجه این مکتب فکری به نقش انسان و شرایط اجتماعی و فرهنگی وی، آن را بیش از دیگر نظریات بازتاب‌کننده اهداف مطالعات انسان‌شناختی اقتصادی می‌دانند (کریمی، ۱۳۸۴: ۲۸).

برخی وبلن را بنیان‌گذار اولیه مکتب نهادگرایی اقتصادی می‌دانند. وبلن که تئوری خود را اقتصاد فرهنگی می‌نامید، سعی داشت که نظام اقتصادی را به صورت فرایندی پویا درک کند. این عقیده وبلن که اقتصاد را بخشی از موضوعات مردم‌شناسی فرهنگی می‌داند به ما کمک می‌کند که بتوانیم از دو ابزار انسان‌شناسی و اقتصاد بدون دغدغه استفاده کنیم.

در این مکتب واژه نهاد به این منظور به کار می‌رود که نظام اقتصادی را بخشی از فرهنگ جامعه می‌داند و فرهنگ جامعه هم از مجموعه‌ای از نهادهای گوناگون و از جمله نهاد اقتصادی تشکیل یافته است (وبلن، ۱۳۸۳: ۱۹).

داگلاس نورث

از نظر نورث، نهاد مجموعه‌ای است متشکل از قوانین رسمی و غیررسمی (آداب و رسوم، تابوها و...) که در چارچوب کنش متقابل انسانی تحقق می‌پذیرند. اساس این کنش‌ها رعایت

قوانین است. افراد با آگاهی از قواعد و اصول رسمی و نانوشته غیررسمی در بازی حضور می‌یابد و چنان‌چه قوانین نقض شوند مجازات را در پی دارد (نورث، ۱۳۷۷: ۱۱۵). از دیدگاه نورث، تعریف روابط اجتماعی افراد و تعاملات متقابل‌شان بر عهدهٔ هنجارهای رفتاری و آداب و رسوم می‌باشد که موجب می‌شود کنشگران اقتصادی زمینه‌های داد و ستدی لزوماً مادی و عقلانی رفتار نکنند. بنابراین تأکید نورث بیش از آن‌که بر انسان اقتصادی باشد، بر انسان اجتماعی است.

در این‌جا بازارچه مرزی همان نهادی است که در آن شاهد وجود مجموعه‌ای از مقررات رسمی و قوانین رسمی نانوشته‌ای هستیم. در این نهاد کنش متقابل افراد با یکدیگر براساس قوانین و اصول پذیرفته شده‌ای انجام می‌گیرد. فرصت افراد در این فضای رقابتی در چارچوب محدودیت‌های نهاد بازار است و در این چارچوب کنشگران سعی در کسب سود بیشتر دارند اما این موضوع لزوماً به معنای عقلانی رفتار کردن بازاریان نسبت به هم نیست بلکه در این مجموعه عوامل تأثیرگذار فرهنگی بسیاری وجود دارد که برخاسته از هنجارهای غیر رسمی و آداب و رسومی است که در چارچوب روابط اجتماعی کهنه آنان شکل گرفته است. فاکتورهایی چون پیوندهای خویشاوندی، اشتراکات زبانی و... در اشکال خارج از قراردادهای مجموعه‌های خودیاری بازاریان این نقطه‌نظر نورث را تأیید می‌کند که کنشگران لزوماً عقلانی رفتار نمی‌کنند. در گذشته پیوندهای خویشاوندی و تا حدودی امروزه نیز پیوندهای قومی و محلی و خانوادگی تضمینی است بر خود اجرایی قراردادهای بازاریان (نورث، ۱۳۸۳: ۳۳).

در نهایت این‌که بازارچه نهادی است تجاری و اقتصادی که در فضای ویژه با ساختارها، سلسله‌مراتب و حتی رفتارهای نسبتاً مشترک بازاریان و تاجران روبه‌رویم. اما به اعتقاد بازاریان اصل اقتصادی بازارچه، از اصول اساسی در شکل‌گیری بازار و مفهوم بازاری است. بر این مبنا می‌توان گفت که نقش محوری بازارچه کسب سود و تجارت است و این تصور که بازار مجموعه‌ای دینی، مذهبی و خویشاوندگونه است، جزء شاخه‌های فرعی تنهٔ اقتصادی بازار است.

رویکردهای نهادگرایی اقتصادی بازارچه‌های مرزی

رویکرد نهادگرا به توسعه منطقه‌ای

از دیدگاه این نظریه‌پردازان، توسعهٔ یک فرایند نهادسازی است. در نتیجه نیازمند ایجاد سیستم‌های برنامه‌ریزی و نهادهایی است که بتواند فرایند توسعه را در طول زمان مدیریت و هدایت نماید. بر این اساس وجود یک نهاد یا سازمان با مسئولیت مشخص برای انجام توسعهٔ منطقه‌ای - محلی امری اجتناب‌ناپذیر است.

این رویکرد در پی یافتن راهکارهایی برای تحرک بخشیدن به منابع محلی و انجام تغییرات نهادی، متناسب با شرایط و الزامات توسعه منطقه است. نهادگرایی منطقه‌ای تحرک بخشیدن به توسعه منطقه‌ای براساس گشودن گره‌ها و به فعلیت در آوردن ظرفیت‌های محلی و ایجاد طرح‌های عمرانی و توسعه‌ای و در کنار آن استفاده از ابزارهای مناسب برای تحقق این اهداف که از جمله مهم‌ترین آن‌ها نهادها و سازمان‌های توسعه و عمران منطقه‌ای را به عنوان ملاک‌های اصلی توسعه منطقه‌ای، محلی و روستایی مدنظر دارد.

اشتغال‌زایی سرآمد تمام سیاست‌هایی است که می‌تواند اقتصاد منطقه را به تحرک وادارد. در این راستا تلاش در جهت شناسایی کارآفرینان و ایجاد انگیزه‌های کارآفرینی منطقه‌ای به‌ویژه در مناطقی که با مشکلات بیکاری ساختاری مواجه هستند از سیاست‌های اصلی رویکرد نهادگرایی توسعه منطقه‌ای است. در چنین مناطقی عمق و مقیاس بیکاری و نیز ساختار ضعیف اقتصادی، امکان تحقق اشتغال کامل و به‌ویژه بهبود در وضعیت رفاهی آن منطقه را غیر ممکن می‌سازد. این امر هم ساختار حکومتی آن کشور در پی عدم تعادل آن منطقه با مناطق دیگر کشور را متزلزل خواهد ساخت و هم آن نیرویی که برای ایجاد سرمایه اجتماعی و توسعه لازم است را خنثی خواهد کرد.

یکی از سیاست‌های اساسی توسعه منطقه‌ای نهادگرا، ضرورت توجه به سازمان‌ها و نهادهای محلی، همچنین توجه به مزیت نسبی منطقه و در صورت لزوم انجام تغییرات نهادی وسیع با هدف رفع موانع موجود در مسیر توسعه اقتصادی و اجتماعی منطقه است. امروزه این مسئله به‌طور فزاینده‌ای مورد توجه قرار گرفته است که توسعه چنین مناطقی باید از طریق به تحرک و داشتن ظرفیت‌ها و مزیت‌های محلی و منطقه‌ای تحقق پذیرد (Amin, 1999: 372).

جی کوکس از ظرفیت‌سازی نهادی به عنوان حلقه مفقوده توسعه منطقه‌ای و محلی یاد می‌کند که اغلب به فراموشی سپرده شده و با توجه کافی به آن نمی‌شود. کوهن یکی از زمینه‌های اصلی و مؤثر در تحقق ظرفیت‌سازی را استفاده از ظرفیت‌های درونی مناطق و نواحی می‌داند. در این میان توسعه مناطق مرزی شامل مواردی است که از انگیزه‌های مختلفی ریشه می‌گیرد. گاهی انگیزه‌های سیاسی و اجتماعی از عوامل اصلی آن به شمار می‌روند ولی به هر حال توسعه مناطق مرزی از جمله انواعی از توسعه است که شدیداً در جهت هدف‌های اجتماعی و سیاسی جریان دارد. (نادرپور، ۱۳۵۸: ۳۷).

این بازارچه‌ها هرچند در نگاه اول اقتصادی به نظر می‌رسند، ولی هستند کسانی که نه از جنبه اقتصادی، بلکه از زوایای اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی به موضوع می‌نگرند و اولویت

تأسیس این بازارچه‌ها را در حوزه‌های دیگر جست‌وجو می‌کنند. (جام جم، ۱۶/۹/۱۳۸۳). بازارچه‌های مرزی می‌توانند یک سیاست‌گذاری توسعه‌ای و تعیین‌کننده عوامل توسعه و توسعه‌آفرینی و تأمین‌کننده رفاه این مناطق باشند که تأثیر مستقیمی بر امنیت ملی دارد. بازارچه‌های مرزی یکی از توانمندی‌های مناطق مرزی است که نقش محوری مرزنشینان از اصول اولیه آن می‌باشد.

اقتصادهای نهادی جدید و جایگاه بازارچه‌ها در آن

پرداختن به بحث اقتصاد نهادگرایی به عنوان بخشی از تاریخ علم اقتصاد فی‌نفسه جذاب است چراکه در عین اثرپذیری از کلیت علم اقتصاد توانسته بر این کلیت نیز تأثیراتی بر جای بگذارد. لیکن وجه مهم‌تر آشنایی با خاستگاه و مبانی فکری این نحوه نگرش، این واقعیت است که از نظریه مذکور غالباً به عنوان بدیلی برای نظریه نئوکلاسیک در علم اقتصاد یاد می‌شود. نهادها انواع متعددی دارند برخی نهادها می‌توانند شامل قواعد دولتی مربوط به بازارها باشند. این امر می‌تواند شامل قواعد دولتی مربوط به عملکرد بازارها باشد همچنین می‌تواند اشاره به مجموعه‌ای از حقوق قراردادی و مقررات و سایر قواعد حکومتی مبادله‌ای در یک جامعه داشته باشد.

نهادها با در اختیار قرار دادن ساختارهایی برای زندگی روزمره عدم اطمینان را کاهش داده و چارچوب‌هایی برای کنش متقابل انسان‌ها وضع می‌نماید. همین‌طور آن‌ها از طریق تأثیر گذاشتن بر هزینه‌های مبادله و تولید، عملکرد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهند (نورث، ۱۳۷۷: ۲۰-۲۲).

نقش عمده نهادها در جامعه این است که از طریق ایجاد یک ساختار باثبات برای کنش‌های متقابل انسانی عدم اطمینان را کاهش دهد. نهادها شکل می‌گیرند تا ریسک و ناطمینانی را کاهش دهند، عدم تقارن در توزیع اطلاعات را از میان بردارند و از رهگذر تعامل این دو کاهش هزینه‌های مبادلاتی حاصل شود (متوسلی، ۱۳۸۲: ۳۳۷).

هرگونه مبادله کالا و خدمات در هر سطح، هزینه‌های مستقیم و غیر مستقیمی را در بر خواهد داشت. جمع‌آوری اطلاعات در خصوص کالاهای مورد مبادله، مذاکره با طرف‌های قرارداد و اقدامات نهادی برای کاهش ریسک و جلوگیری از رفتار فرصت‌طلبانه همه نیازمند صرف هزینه است. این مجموع هزینه، هزینه‌های مبادلاتی نام دارد. هزینه‌های مبادلاتی اصول اساسی برای انتخاب نهاد را فراهم می‌آورد.

مسیر تجارت و فضای حاکم بر آن اگر با مخاطره همراه باشد، یقیناً توسعه و تکامل نهادهای

بازار و فعالیت‌های مولد دیگر را عقیم و فعالیت‌های بازار را به سوی بخش‌های کاذب سوق می‌دهد. نورث هم نوع رسمی و هم نوع غیررسمی نهادها را به رسمیت می‌شناسد؛ یعنی هم قوانینی که واضح آن بشر است و هم آداب و رسوم رفتاری. از این دیدگاه، نهادها هم ممکن است خلق شوند (مثل قانون اساسی) و هم این‌که به مرور زمان شکل گیرند (مثل حقوق عرفی). از ابتدایی‌ترین جوامع در تاریخ بشری تا پیشرفته‌ترین آن‌ها، انسان‌ها برای شکل دادن به مناسبات خود با دیگران در عمل محدودیت‌هایی را برای خویش اعمال می‌کردند. این محدودیت‌ها در قیاس با حالتی که اساساً نهادها وجود ندارند، باعث کاهش هزینه‌های کنش متقابل افراد می‌شود از ای رو، مطالعه و بررسی ضوابط غیررسمی ضرورت تام دارد چراکه بسیاری از رفتارهای انسان را واحدهایی چون جامعه، خانواده و سازمان شکل می‌دهند. بخش اعظم رفتار انسان‌ها در کنش‌های روزانه با دیگران در چهارچوب محدودیت‌های غیررسمی تعریف می‌شود. در هر واحد اقتصادی نیز قسمت اعظم رفتارهای کنشگران را محدودیت‌های غیررسمی شکل می‌دهند.

هرچند ضوابط غیررسمی در بدو شکل‌گیری خود باعث کاهش هزینه‌های تعامل میان کنشگران اقتصادی می‌شود، لیکن آن‌گاه که در گذر زمان بدنه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه متحول می‌شود چه‌بسا ضوابط دیرپای غیررسمی نتواند با این تحولات همگام شوند و از این رو، نه فقط هزینه معاملاتی کنشگران اقتصادی را کاهش ندهند، بلکه موجبات افزایش این هزینه‌ها را نیز فراهم آورند (متوسلی، ۱۳۸۲: ۳۴۰-۳۴۳).

سرمایه اجتماعی، هزینه‌های معاملاتی و رشوه در بازارچه‌های مرزی

به نظر اقتصاددانان مهم‌ترین نقش سرمایه اجتماعی در توسعه نقشی است که این سرمایه در کاهش هزینه‌های معاملاتی دارد، هزینه‌های معاملاتی مربوط به هزینه‌های برقراری تعامل بین کنشگران اجتماعی می‌شود، در جایی که هزینه‌های معاملاتی در سطح بالایی قرار دارند امکان تبادل و کنش در سطح پایینی قرار خواهد داشت یعنی جایی که سرمایه اجتماعی وجود ندارد یا ضعیف است. بلعکس با افزایش سرمایه از میزان هزینه‌های معاملاتی کاسته می‌شود و کنش‌های اجتماعی و اقتصادی تسهیل می‌شوند و رونق بیشتری به خود می‌گیرند زیرا سرمایه اجتماعی منبع کنش جمعی است و کیفیت روابط اجتماعی در هر جامعه بیانگر چگونگی سرمایه اجتماعی آن جامعه است (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴: ۳۸۵).

نهادها رشوه و عدم اطمینان را کاهش و هزینه‌های معاملاتی را نیز پایین می‌آورند. رشوه در زمینه بازارچه‌های مرزی می‌تواند به عنوان نهادی تلقی گردد که عدم اطمینان را

کاهش می‌دهد، به خاطر این‌که دامنه فعالیت‌های ممکنه افراد را محدود و فعالیت‌هایشان را تا حدودی قابل پیش‌بینی می‌کند (Egbert, 2006).

دیدگاه سرمایه اجتماعی و موضوع‌هایی مانند انسجام اجتماعی برای فعالیت‌های تاجران در چنین مکان‌های داد و ستدی به کار برده می‌شود. برای مثال والیس و دیگران (۱۹۹۹) استدلال می‌کنند که بازاریجه مرزی یک فعالیت ریسکی محسوب می‌شود به خاطر این‌که قسمتی از کارشان غیرقانونی محسوب می‌شود. استدلال آن‌ها این است که پیوندهای قومی، شبکه‌های اجتماعی و روابط خانوادگی به عنوان عوامل مهم در کاهش ریسک تعریف می‌شوند. زیرا آن‌ها بر این عقیده‌اند که فعالیت‌های اقتصادی از لحاظ اجتماعی در جامعه، خانواده و گروه‌های قومی شکل می‌گیرد.

یک فرضیه این است که برای عملکرد موفقیت‌آمیز بازاریجه‌ها باید از سرمایه اجتماعی به عنوان یک راه‌حل امنیتی - اعتمادی استفاده شود و این امر می‌تواند از طریق تقویت شبکه‌های فAMILI و انسجام قومی و روابط دوستانه صورت گیرد. به عبارت دیگر نهادهایی مانند شبکه‌های اجتماعی شامل خانواده‌ها، دوستان و آشنایانی روبرو نقش مهمی را در این مورد و تصمیمات مردم بازی می‌کنند.

قول و قرار و نظم‌های نهادی در بین تاجران و طرف‌های معامله آن‌ها اغلب براساس پیوندهای فرهنگی و اجتماعی شکل گرفته است. بنابراین نهادهای مبتنی بر فرهنگ قادرند تا ریسک در تجارت را کاهش و اعتماد و امنیت را فراهم کنند (Egbert, 2006: 349-351).

منافع ایجاد شده در اثر تأسیس بازاریجه‌های مرزی

منافع ایجاد شده توسط بازاریجه‌های مرزی را می‌توان به منافع مستقیم یا اولیه و منافع غیر مستقیم یا ثانویه، منافع ناملموس و منافع ملی تقسیم‌بندی نمود:

۱) منافع مستقیم ایجاد بازاریجه

منافع مستقیمی که بازاریجه ایجاد می‌کند، به صورت افزایش رفاه مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان است که به صورت افزایش عرضه کالا و خدمات و سود ناشی آن خود را نمایان می‌سازد.

۲) منافع غیر مستقیم

شامل عوارض و مالیات‌هایی است که دولت از ایجاد بازاریجه‌ها به دست می‌آورد. افزایش سود شرکت‌های فعال در امر صادرات و واردات، رشد منافع در اثر ایجاد واردات مواد اولیه و همچنین اشتغال ایجاد شده توسط بازاریجه‌ها از منافع غیر مستقیم به‌شمار می‌رود.

۳) منافع ناملموس

شامل منافع است که محاسبه ریالی آن مشکل و تا حدودی غیر ممکن است. در مورد بازارچه‌های مرزی می‌توان منافع ناملموس را به صورت نگرانی مردم نسبت به تأمین کالاهای ضروری عنوان نمود.

۴) منافع ملی

این منافع شامل منافع هستند که اهداف دولت را برآورده می‌سازند. به عبارت دیگر، در اثر ایجاد بازارچه‌های مرزی یکسری منافع برای دولت ایجاد می‌شود؛ از قبیل بهینه‌تر شدن توزیع درآمد، افزایش سطح اشتغال، افزایش سطح مصرف و... که البته منافع ملی را نیز می‌توان در زمره منافع غیر مستقیم به‌شمار آورد (پیشرو، ۱۳۷۹: ۶).

در منطقه نمونه انتخاب شده برای انجام این پژوهش در آن تجارت مرزی به دو شیوه دارای مجوز (قانونی) و بدون مجوز (قاچاقی) وجود دارد. در سراسر نوار مرزی منتهی به این روستاها همیشه ورود و خروج قاچاق کالا وجود دارد اما در حال حاضر در نوار مرزی منتهی به این روستاها فقط در مرزی به نام «کیله» (قبلاً قاسم‌رش بوده است) یک مسیر مرزی دارای مجوز وجود دارد. در دو طرف همین مسیر آزاد مرزی مسیرهای قاچاق کالا به فاصله تقریباً یک کیلومتری از مسیر آزاد مرزی وجود دارد. طرز کار مسیر آزاد مرزی به این صورت می‌باشد که مجوز ورود و خروج کالا از طریق این مسیر از طرف هنگ مرزی سردشت داده شده است. کار این مسیر آزاد مرزی از بهار سال ۱۳۸۲ شروع شده است البته قبلاً در این مسیر به شیوه گمرک رسمی صادرات و واردات کالا وجود داشته است اما در حال حاضر صادرات و واردات کالا از طریق گمرک رسمی فقط در مرز کیله وجود دارد و مسیر آزاد قاسم‌رش، به صورت گمرک رسمی نیست. می‌توان گفت که این مسیر بیشتر برای اشتغال مردم منطقه به صورت آزاد فعال است. حمل و نقل کالاهای وارد شده و خارج شده تا تحویل به انبارها فقط از طریق الاغ صورت می‌گیرد. پس می‌توان گفت که این معبر مرزی با معابری که صادرات و واردات کالا از طریق گمرک صورت می‌گیرد متفاوت است. در این مسیر هیچ‌گونه حق گمرکی دریافت نمی‌شود این معبر مرزی آزاد فقط برای مرزنشینان آزاد است و در اصل برای مردم مرزنشین شهرستان سردشت است در حالی که در معابر گمرکی مردم دیگر مناطق نیز به فعالیت مشغولند.

از طرف هنگ مرزی سردشت به هر نفر مرد دارای ۱۵ سال یک کارت شناسایی به نام «کارت تردد و مبادلات مرزی مرزنشینان» داده می‌شود که فقط افراد دارای این کارت حق دارند کالاهای ورودی و خروجی را با الاغ حمل کنند فردی که دارای این کارت نمی‌باشد حق حمل کالاها را ندارد. همیشه از قدیم‌الایام در این منطقه به‌طور قاچاقی ورود و خروج کالا صورت گرفته و لفظ

قاچاقچی که به صاحب کالاها اطلاق می‌شد امروزه هم اطلاق می‌شود. بر روی پشت کارت شناسایی که از طرف فرمانده هنگ مرزی سردشت امضا شده اسامی کالاهایی که ورود و خروج و مبادله آن‌ها کلاً ممنوع است به شرح ذیل نوشته شده است:

۱. سلاح و مهمات، ۲. مسکرات، ۳. کالاهای ضد فرهنگ، ۴. لباس دست دوم (مستعمل)
۵. لوازم آرایشی بهداشتی (به غیر از صابون و شامپو)، ۶. کالاهای دارای اولویت مبارزه مصوب ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز شامل: سیگار، پارچه، چای، قطعات یدکی خودرو، شکر، سوخت، تلویزیون.

کالاهایی که از معبر آزاد وارد می‌شوند باید غیر از کالاهای ذکر شده در بالا باشند وگرنه در غیر این صورت کالاهای وارد شده متوقف می‌شوند و کالاهای خارج شده باز باید دارای مجوز از طرف فرمانده هنگ مرزی باشند و در ضمن باید صادرکنندگان و واردکنندگان مقیم شهرستان سردشت باشند چون این مسیر برای مردم مرزنشین سردشت ایجاد شده است همچنانکه قبلاً ذکر شد بیشترین درآمد مردم مناطق روستایی مورد تحقیق از طریق تجارت مرزی به دست می‌آید اکثر مردم این منطقه به امر حمل و نقل کالاها مشغولند نه این‌که تاجر و صاحب کالا باشند. و این نشان می‌دهد که بازارچه در ایجاد اشتغال غیر مستقیم (حمل و نقل بار و مسافر، عملیات بارگیری و...) نقش مؤثرتری داشته تا ایجاد اشتغال مستقیم. در جدول زیر این آمار قابل مشاهده است:

توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب نظرشان بر تأثیر بازارچه در اشتغال غیرمستقیم

میزان تأثیر بازارچه در اشتغال غیرمستقیم	فراوانی	درصد	درصد تراکمی
خیلی کم	۵	۲/۶	۲/۶
کم	۲	۱/۱	۳/۷
متوسط	۳۴	۱۷/۹	۲۱/۶
زیاد	۶۰	۳۱/۶	۵۳/۲
خیلی زیاد	۸۹	۴۶/۸	۱۰۰
کل	۱۹۰	۱۰۰	—

براساس اطلاعات جدول فوق می‌توان دریافت که ۷۸/۴ درصد از پاسخگویان بر این باور بودند که بازارچه در افزایش اشتغال غیرمستقیم تأثیرگذار بوده است. نزدیک به ۹۰ درصد مردم منطقه به کار حمل و نقل کالاها با استفاده از الاغ مشغول هستند

در مصاحبه با افراد مطلع کلیدی گفته می‌شد که تقریباً ۳ درصد مردم منطقه به کار انبارداری و نزدیک به ۲ تا ۳ درصد مردم این منطقه در اصل تاجر و صاحب کالا هستند. انبارها هم در داخل روستاها و هم در نزدیک معبر مرزی قاسم‌رش وجود دارند در معبر قاسم‌رش ۱۵ انبار وجود دارند که فقط به نگهداری کالاهایی که از مسیر آزاد مرزی وارد و خارج می‌شوند مشغولند و برای هر بار ۲۵۰ تومان کرایه انبار گرفته می‌شود انبارهای کالاهای قاچاق در داخل روستاها قرار دارند هزینه نگهداری آن در حدود ۱۰۰۰ تومان است تعداد این انبارها به ۲۰ تا می‌رسد و در روستاهای کانی زرد^۱ و گل کنک^۲ قرار دارند. به فردی که کالاها را با الاغ حمل می‌کند کاروانچی^۳ می‌گویند کرایه حمل بار دارای مجوز در حدود ۴۰۰۰ تومان و بار بدون مجوز در حدود ۱۰۰۰۰ تومان است. مسیر قاچاقی همیشه فعال است اما مسیر دارای مجوز فقط از ساعت ۸ صبح تا ۱۲ ظهر باز و در ایام تعطیل رسمی بسته است. کاروانچی‌ها پس‌انداز کافی ندارند چون نگهداری الاغ نیز هزینه زیادی دارد. کار حمالی و آماده کردن بارها برای حمل و نقل یکی از دیگر مشاغل است و یک حمال روزانه در حدود ۱۰۰۰۰ تومان درآمد دارد در حدود ۲۰ تا ۲۵ حمال در محل حمل بارها در کانی زرد و گل کنک وجود دارند که یا از مردم این روستاها بودند یا از دیگر روستاهای سردشت به این محل می‌آیند. افراد زیاد دیگری نیز از دیگر روستاهای سردشت و یا مناطق شهری برای کار حمل کالا با الاغ به این روستاهای مرزی می‌آیند و در منطقه مورد تحقیق نزدیک به ۵۰۰ الاغ مردم مناطق غیر از این منطقه وجود دارد که حتی از روستاهای بانه و مهاباد نیز هستند که در این روستاها یا در زیر چادر یا در روستاها اقامت را کرایه کرده‌اند. مردم این روستاها مزاحم کار آن‌ها نمی‌شوند اما اگر خلاف عرف و ادب منطقه عمل کنند به آن‌ها اجازه فعالیت نمی‌دهند.

در حالی که مندرجات آیین‌نامه مبادلات مرزی این مراکز را به عنوان ممر درآمدی برای مرزنشینان تلقی کرده تا با تقویت رفاه و سطح زندگی آنان موجبات توسعه اقتصادی، تثبیت جمعیت و در کنار آن، امنیت ملی دفاع از مرزهای کشور و توسعه صادرات فراهم آید، در مشاهدات و بررسی‌ها مشاهده شد که افراد زیادی از دیگر نقاط و حتی خارج از نواحی مرزی به این مناطق آمده‌اند. به علاوه ماشین‌هایی که کالاها را به سردشت یا دیگر مناطق حمل می‌کنند اکثراً غیر بومی منطقه مورد تحقیق هستند آن‌ها برای حمل یک محموله کالای قاچاق تا سردشت در حدود ۱۵۰۰۰ تومان و کالای آزاد دارای مجوز ۶۰۰۰ تومان کرایه می‌گیرند.

1. Kane zard
3. Karvanchi

2. Gel kank

توزیع فراوانی وضعیت بومی بودن پاسخگویان

وضعیت بومی بودن	فراوانی	درصد معتبر	درصد تراکمی
خیر	۵۲	۲۸/۱	۲۸/۱
بلی	۱۳۳	۷۱/۹	۱۰۰
بی‌پاسخ	۵	—	—
کل	۱۹۰	۱۰۰	—

براساس نمودار و جدول فوق می‌توان دریافت که ۲۸/۱ درصد پاسخگویان غیر بومی و ۷۱/۹ درصدشان بومی منطقه بوده‌اند.

افرادی نیز به دوختن و درست کردن پالان و نعل‌بندی مشغولند. برای بستن چهار نعل یک قاطر یک نعل در حدود ۶۰۰۰ تومان می‌گیرد یک استاد نعل‌بندی در روستای ورده^۱ که باتجربه‌تر است ۱۰۰۰۰ تومان کرایه می‌گیرد. یک پالان‌دوز برای درست کردن یک پالان از ۳۰۰۰۰ تا ۶۰۰۰۰ تومان پول کرایه می‌گیرد. افرادی که دارای خر هستند فقط دو پای جلوی خر را نعل می‌بندند و هزینه‌ای در حدود ۳۰۰۰ تومان است و با توجه به نوع حرکت خر لزومی ندارد که به پاهای عقب آن نعل ببندند. نعل بستن به پای الاغ بیشتر در مناطق کوهستانی و صعب‌العبور وجود دارد و در مناطق دشتی کمتر به پای اسب و قاطر و خر نعل می‌بندند. مثلاً نعل‌بندها قاطری را که هرگز به پایش نعل نبسته‌اند به صاحبش می‌گویند که باید تقریباً دو روز پاهای قاطر در گل نگه دارد تا سم‌هایش نرم شده و بتوان به آن نعل بست اگر پاهای قاطر و دیگر الاغ‌ها نعل‌بندی نشود در کوهستان‌ها سم‌هایشان ساییده شده و دیگر توانایی حمل بار و حرکت را ندارند. در حدود ۵ مغازه فروش جو و گاه نیز در این روستاها وجود دارد دو گونی بزرگ گاه (تقریباً ۴ برابر گونی معمولی) در حدود ۱۰۰۰۰ تومان و یک پوط^۲ جو (یک پوط ۱۶ کیلو است و بیشتر از این واحد اندازه‌گیری استفاده می‌شود) در حدود ۳۳۰۰ تومان است. مغازه‌های فروش دیگر وسایل الاغ نظیر وسایل تزئین الاغ و افسار و دیگر وسایل مورد نیاز در سردشت وجود دارند.

خود کاروانچی‌ها کار حمل و نقل را به عنوان یک شغل دائمی نمی‌دانند و می‌گویند که همیشه مرز فعال نیست و در فصول چهارگانه سال نیز میزان ورود و خروج کالاها

1. Wardeh

2. Pot

بعضی اوقات خیلی زیاد و بعضی اوقات خیلی کم است.

در مشاهدات و مصاحبه‌ها مشخص شد که نزدیک به ۹۰ درصد مردم منطقه در کار حمل و نقل کالاها هستند. به این معنی که هر خانواری معمولاً دارای یک قاطر یا اسب (که بیشتر قاطر است) می‌باشند. البته در مواردی خرنیز وجود دارد که با آن کالاها را از ایران به عراق و بالعکس حمل می‌کنند. این‌که اکثراً از قاطر در حمل کالاها استفاده می‌کنند برای این است که قاطر برای مسیر کوهستان خیلی مناسب است و این مسیری که کالاها در آن حمل می‌شوند مسیری کوهستانی و صعب‌العبور است و اسب اکثراً برای مسیرهای دشتی مناسب است. پایین‌ترین قیمت یک قاطر در حال حاضر ۵۰۰۰۰۰ تومان و بالاترین قیمت ۲۲۰۰۰۰۰۰ تومان است. در شهر ربط یک دوشنبه بازار خرید و فروش حیوانات وجود دارد که مردم این منطقه بیشتر در آنجا الاغ مورد نیاز خود را می‌خرند. قیمت الاغ به‌ویژه قاطر به سرعت، سن، توانایی حمل بار و بزرگی و کوچکی هیكل آن بستگی دارد. پایین‌ترین قیمت یک اسب ۳۰۰۰۰۰ تومان و بالاترین قیمت آن در حدود ۱۲۰۰۰۰۰ تومان است. پایین‌ترین قیمت یک خرنیز در حدود ۱۲۰۰۰ تومان و بالاترین قیمت آن در حدود ۱۲۰۰۰۰ تومان می‌باشد. خر برای کسانی که توانایی خریدن الاغ گرانقیمت ندارند، وسیله مناسبی است اما خر توانایی حمل هر باری را ندارد و در مسیر کوهستانی هم به نسبت دیگر الاغ‌ها کمتر از آن استفاده می‌شود مثلاً قاچاقچیان بار ماهواره را به کسی می‌دهند که الاغ ورزیده‌ای داشته باشد. نزدیک به ۹۵ درصد درآمد مردم این منطقه از تجارت مرزی به دست می‌آید.

توزیع فراوانی درصدی پاسخگویان برحسب میزان درآمد

میزان درآمد (به هزار تومان)		قبل از بازارچه		بعد از بازارچه	
فراوانی	درصد	درصد تراکمی	فراوانی	درصد	درصد تراکمی
۱۱۰	۵۷/۹	۵۷/۹	۳۱	۱۶/۳	۱۶/۳
۳۷	۱۹/۵	۷۷/۴	۷۰	۳۶/۹	۵۳/۲
۲۹	۱۵/۲	۹۲/۶	۱۹	۱۰	۶۳/۲
۱۱	۵/۸	۹۸/۴	۳۹	۲۰/۵	۸۳/۷
۳	۱/۶	۱۰۰	۳۱	۱۶/۳	۱۰۰
۱۹۰	۱۰۰	—	۱۹۰	۱۰۰	—
کل					

براساس اطلاعات جدول فوق می‌توان دریافت که سطح درآمد پاسخگویان پس از استقرار بازارچه افزایش یافته است. به طوری که قبل از استقرار بازارچه در حدود ۷/۴ درصد پاسخگویان

درآمدی بالاتر از ۳۵۰ هزار تومان داشتند که این تعداد پس از استقرار بازارچه به ۳۶/۸ درصد افزایش یافته است.

درآمد روزانه یک کاروانچی در حدود ۲۰۰۰۰ تومان است. در بین کاروانچی‌ها از سنین پایین ۱۰ ساله تا ۶۰ ساله دیده می‌شود. آن‌هایی که سن کمی دارند بیشتر در تابستان مشغول حمل کالا هستند چون بیشتر آن‌ها محصل‌اند اما به دلیل این‌که مدارس راهنمایی و دبیرستان در این روستاها وجود ندارند بیشتر آن‌ها بعد از اتمام تحصیلات ابتدایی به کار حمل و نقل کالا از طریق الاغ مشغول می‌شوند. به قول کاروانچی‌ها شغل آن‌ها یک شغل بخور نمیر است و حتی در سرشماری رسمی کشور آن را شغل معرفی نمی‌کنند. اما حداقل اشتغالی برای آن‌ها وجود دارد و منبع معیشتی وجود دارد. دغدغه جوانان و مردم این منطقه در مورد کار وقتی شروع می‌شود که کار تجارت مرزی رو به کساد می‌رود که یا مرز بسته می‌شود و یا ورود و خروج کالا کم می‌شود وقتی کار مرزی کم می‌شود بیشتر مردم این منطقه برای کار به دیگر مناطق ایران نظیر کوره‌پزخانه‌های تهران، گلپایگان، تبریز، ارومیه، و... می‌روند.

تا حالا دیده نشده که زنان به فعالیت‌های تجاری از حمل و نقل گرفته تا بقیه فعالیت‌های مرتبط پردازند. طول مسیر قاچاق مرزی از کانی زرد تا روستای زله^۱ در عراق در حدود یک ساعت و بیست دقیقه و مسیر آزاد مرزی از معبر قاسم‌رشد تا روستای زله در حدود چهل دقیقه است (زمان ذکر شده با پای پیاده می‌باشد). ایرانی‌ها می‌توانند تا داخل روستای زله در کشور عراق کالاها را حمل کنند و از آن‌جا نیز دوباره همین کار را انجام دهند اما عراقی‌ها حق عبور از مرز ایران را ندارند مگر این‌که به‌طور قاچاقی به داخل مرز ایران بیایند. البته مردم روستاهای مرزی ایران با مردم آن‌طرف مرز روابط خوبی دارند و هم‌زبان هستند زبان هر دوی آن‌ها کردی سورانی است. در مسیر آزاد قاسم‌رشد عراقی‌ها تا نزدیکی مرز ایران کالاها را حمل می‌کنند و چون حق عبور از مرز ایران را ندارند مردم ایران کالاها را تا داخل مرز ایران حمل می‌کنند. کاروانچی‌ها می‌گفتند که در سال ۱۳۸۲ عراقی‌ها الاغ‌ها را با بار آن‌ها به مردم ایران می‌دادند و ایرانی‌ها کالاها را تا انبارها با الاغ خود عراقی‌ها حمل می‌کردند و وقتی الاغ‌ها را تحویل می‌دادند در حدود ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ تومان کرایه می‌گرفتند البته عراقی‌ها الاغ‌ها را به کسانی می‌دادند که همدیگر را می‌شناختند در مواردی هم دیده شده بود که الاغ‌ها را بارشان می‌دزدیدند.

حزب اتحادیه میهنی عراق هم در مسیر آزاد و هم در مسیر قاچاق هیچ‌گونه حق گمرکی دریافت نمی‌کند. اما حزب پژاک (شاخه‌ای از حزب کارگران کردستان ترکیه) در مسیر قاچاقی برای هر بار ۲۰۰۰ تومان حق گمرک می‌گیرد و باید صاحب کالا آن را بپردازد و در صورت

نپرداختن حق گمرک کالا، اجازه عبور به آن‌ها داده نمی‌شود. در حال حاضر از طریق مرز مجاز کالاهایی نظیر برنج، رانی (نوشیدنی)، عدس، نخود، پودر شربت، وسایل اسباب‌بازی، کریستال، کفش، لامپ، کنجد و مغز گردو وارد می‌شود و در همین مسیر مجاز قیر، روغن نباتی پودر لباسشویی، گریس، برنج، کبریت، پفک‌نمکی و بیسکویت صادر می‌شود.

جدول توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب تأمین کالاهای مورد نیاز با استقرار بازارچه

میزان تأمین کالاهای مورد نیاز	فراوانی	درصد معتبر	درصد تراکمی
سطح بسیار پایین	۱۳۳	۷۱/۱	۷۱/۱
سطح پایین	۴۹	۲۶/۲	۹۷/۳
سطح متوسط	۴	۲/۲	۹۹/۵
سطح بالا	۱	۰/۵	۱۰۰
نامشخص	۳	—	—
کل	۱۹۰	۱۰۰	—

براساس اطلاعات جدول فوق می‌توان دریافت که ۷۱/۱ درصد از پاسخگویان میزان تأمین کالاهای مورد نیاز با استقرار بازارچه را بسیار سطح پایین ارزیابی کرده‌اند. ۲۶/۲ درصد از پاسخگویان نیز آن را سطح پایین ارزیابی کرده‌اند و تنها ۰/۵ درصد (یک نفر) از آن‌ها میزان تأمین کالاهای مورد نیاز با استقرار بازارچه را بسیار سطح بالا ارزیابی کرده است. مهم آن‌که هم مبدأ و هم مقصد کالاهای صادراتی و وارداتی بازارچه در خارج از حوزه نفوذ مناطق مرزی واقع شده‌اند. بیش از اکثریت مصاحبه‌شوندگان در پاسخ به این سؤال که کالاهای وارداتی را در کدام بازار به فروش می‌رسانید به خارج از نواحی مرزی (خصوصاً تهران، تبریز، اراک و اصفهان) اشاره می‌کردند.

توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب نقش بازارچه در تأمین نیازهای مناطق

مناطق	فراوانی	درصد معتبر	درصد تراکمی
شهرهای منطقه	۵۴	۲۸/۶	۲۸/۶
هم روستا و هم شهرهای منطقه	۵	۲/۶	۳۱/۲
سایر مناطق و دیگر استان‌ها	۱۳۰	۶۸/۸	۱۰۰
بی‌پاسخ	۱	—	—
کل	۱۹۰	۱۰۰	—

این امر نشان می‌دهد که بازارچه‌های مرزی در تأمین کالاهای مورد نیاز مرزنشینان نقش چندانی نداشته‌اند. به علاوه این‌که آیین‌نامه مبادلات مرزی صراحتاً محلی بودن کالاهای صادراتی که در نوع خود می‌تواند انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاری محلی باشد را تأیید نمی‌کند. با این حال رقم عمده کالاهای صادر شده از طریق بازارچه‌ها از نوع کالاهایی هستند که استان مرزی نسبت به آن مزیت نسبی دارند.

مسئله دیگر این‌که علی‌رغم ایجاد بازارچه که یکی از اهداف رسمیت بخشیدن به مبادلات دو سوی مرز و جلوگیری از مهاجرت ساکنین مرزنشین است، مشاهدات و بررسی‌ها نشان داد که استقرار بازارچه نتوانسته در مورد جلوگیری از مهاجرت روستایان مرزنشین به شهرها موفقیت چندانی کسب کند اما همچنان‌که در جدول زیر مشاهده می‌گردد در مورد جلوگیری از قاچاق نقش مثبتی داشته است.

توزیع فراوانی درصدی پاسخگویان برحسب نقش بازارچه در جلوگیری از قاچاق و مهاجرت

موارد	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	نمونه‌ها
جلوگیری از قاچاق	۱۱/۶	۱۰	۲۷/۹	۲۲/۱	۲۸/۴	۱۹۰
جلوگیری از مهاجرت	۴۰	۲۶/۸	۲۲/۶	۵/۳	۵/۳	۱۹۰

براساس اطلاعات جدول فوق می‌توان دریافت که ۵۰/۵ درصد از پاسخگویان بر این باور بودند که بازارچه نقش بسیار قوی در جلوگیری از قاچاق کالا در منطقه داشته است. ولی ۶۶/۸ درصد از پاسخگویان نقش بازارچه را در جلوگیری از مهاجرت روستایان منطقه به شهرها بسیار ضعیف ارزیابی کرده‌اند.

در مسیر قاچاق بیشتر بنزین و گازوئیل قاچاق می‌شود. همچنین کالاهایی نظیر وسایل برقی، تلویزیون، ماهواره، شکر، لباس دست دوم، برنج و چای به صورت غیر قانونی وارد می‌شود. در این روستاها تقریباً تمامی منازل دارای بشقاب ماهواره بر روی بام خانه‌هایشان هستند و بیشتر از برنج و چای وارداتی استفاده می‌کنند و این با قیمت مناسب و طعم خوب و کیفیت این کالاها در ارتباط است. مشاغلی در ارتباط با این تجارت مرزی در روستاهای گل‌کنک و قاسم‌رشد وجود دارد.

مسکرات نیز از جمله کالاهایی هستند که به‌طور قاچاق وارد ایران می‌شود. افرادی که به حمل مسکرات مشغولند اکثراً اسب‌های قوی دارند و از مردم منطقه مورد تحقیق افراد بسیار کمی به این کار مشغولند و کسانی که این کار را انجام می‌دهند مردم به دیده بی‌احترامی به آن‌ها می‌نگرند و حتی کسانی که باور دینی قوی هم ندارند از انجام این کارها به دلیل فشار هنجاری

خودداری می‌کنند. قاچاقچی‌ها برای حمل هر بار در حدود ۵۰۰۰۰ تومان می‌گیرند و بیشتر در ساعات پایانی شب و در مسیرهای دور از روستاها بارها را به مناطق مورد نظر می‌برند و اگر از داخل روستاها عبور کنند معمولاً مردم مزاحم آن‌ها می‌شوند و احتمال این‌که مردم به‌طور دسته جمعی سر راه آن‌ها قرار بگیرند وجود دارد و در مواردی نیز از این قبیل حرکات دیده شده است. در سه چهارم قبیل مشروبات الکلی خیلی زیاد از مسیر مرز همین منطقه به‌طور قاچاقی وارد می‌شد اما در حال حاضر کم شده است. قبلاً حتی کار به جایی رسیده بود که امامان نماز جمعه و جماعت روستاها در این مورد زیاد موعظه می‌کردند و توصیه می‌کردند که حتی غذا خوردن هم در خانه این افراد حرام است.

تجارت حیوانات زنده از دیگر فعالیت‌های تجاری مرزی در این منطقه است سه تا چهار سال قبل تعداد زیادی حیوان زنده نظیر گاو، گوسفند، بز و بزغاله از عراق به‌طور قاچاقی وارد ایران می‌شد که بیشتر مردم منطقه به این کار مشغول بودند و بعضی‌ها هم آن‌ها را از مرز عبور می‌دادند و حق‌الزحمه‌ای می‌گرفتند. در حال حاضر این فعالیت تجاری خیلی کم شده است. از تولیدات خود منطقه مورد تحقیق اکثراً گردو به عراق به‌طور قاچاقی خارج می‌شود افراد موثق و با تجربه می‌گفتند: آن‌ها یا خودشان یا با الاغ گردو را به قلعه دزه می‌بردند و در آنجا پلیس از آن‌ها باج می‌گرفت که در زبان محلی به آن‌ها باج استن^۱ (به معنی کسی که باج می‌گیرد) می‌گفتند و از عراق نیز قند و خرما و چای و صابون می‌آوردند.

به هر حال با در نظر گرفتن نقش مثبت این‌گونه مبادلات در توسعه اقتصادی و رفاه مناطق مرزنشین و لزوم رعایت برخی ملاحظات سیاسی و اجتماعی این مناطق لازم است که در سیستم مبادلات مرزی و قانونمند ساختن آن، طرح‌های متحول‌توینی پی‌ریزی شود تا این‌گونه فعالیت‌ها با اعمال قوانین و دستورالعمل‌های مناسب و کارآمد ملی، به سمت و سوی توسعه و رفاه همگانی در این مناطق حرکت کنند.

جمع‌بندی و پیشنهادات

با نگاهی به مطالب و آمار و ارقامی که ارائه گردید، می‌توان گفت که این‌گونه مبادلات علی‌رغم غیر رسمی و محلی بودن، دارای نقش پراهمیتی می‌باشند و باعث بهبود زندگی ساکنان نقاط مرزی می‌شوند و در نوع خود در توسعه همکاری‌های متقابل اقتصاد، گسترش بازارهای محلی، ایجاد صلح و ثبات در مناطق مرزنشین و بالأخره بهبود امنیت در مناطق مرزنشین را موجب می‌شوند.

1. Baj asten

دیدیم که فعالیت اکثر مردم مناطق روستایی مورد تحقیق فعالیت‌های تجاری در رابطه با مرز است در حالی که چنین فعالیتی در دیگر روستاهای غیر مرزی سردشت فعالیت عمده نیست. به وضوح دیده می‌شود که وضعیت اقلیمی و هم‌مرز بودن با عراق در این منطقه باعث شکل‌گیری فعالیت تجاری مرزی به شکل خاصی می‌شود که آن‌هم بیشتر استفاده از الاغ برای حمل و نقل کالاها است. البته در این میان بستر اجتماعی فرهنگی نیز بر تجارت تأثیر گذاشته است و تجارت نیز تأثیر متقابل بر این بستر دارد. این‌که مشاغلی در ارتباط با تجارت مرزی به وجود آمده و به اصلی‌ترین شیوه معیشتی مردم تبدیل شده از جمله تأثیرات تجارت بر محیط فرهنگی اجتماعی است. در مقابل، محیط فرهنگی اجتماعی نیز با تجارت بعضی از کالاها از جمله مشروبات الکلی مخالفت می‌کند و سد راه آن قرار می‌گیرد. این تأثیر و تأثرات محیط فرهنگی و اجتماعی و تجارت، در طول زمان وجود داشته و وجود خواهد داشت. بررسی شیوه‌های معیشتی و فرهنگ اقتصادی تجارت مرزی از اهداف این پژوهش بود که امیدوار است این پژوهش توانسته باشد تا حدی به این هدف دست یافته باشد.

در نهایت این‌که هر چند نقش بازارچه‌ها در راستای جامعه عمل پوشاندن به آنچه فلسفه وجودی آن بوده است غیر قابل انکار است؛ اما نتایج مطالعات میدانی در بسیاری از زمینه‌ها نشان داده که بازارچه‌های مرزی در راستای اهداف تعریف شده خود مبتنی بر توسعه اقتصادی و ایجاد رفاه در این مناطق آن‌چنان که باید، موفق نبوده‌اند؛ اما به هر حال باید از ارائه‌دهندگان این طرح و عملیاتی‌کنندگان آن قدردانی کرد. بر همین مبنا پیشنهاد می‌شود:

۱. ایجاد امکانات رفاهی و ارتباطی در بازارچه‌ها (راه، آسفالت، برق، تلفن و دیگر امکانات اداری).

۲. مشخص شدن شرح و وظایف نهادها و ارگان‌های موجود در بازارچه.

۳. ایجاد واحدهای تولیدی و تبدیلی در منطقه که با کالاهای صادراتی در ارتباط باشد.

۴. درآمدهای حاصل از بازارچه‌ها که توسط فرمانداری‌ها به دست می‌آید می‌تواند در تشکیل واحدهای تولیدی در مناطق مرزنشین به کار رود. یعنی برای ایجاد کارخانجات در مناطق مرزی صرف شود که هم باعث ایجاد اشتغال مردم منطقه و هم محرومیت‌زدایی شود.

۵. پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاری‌های کلی در ایجاد وحدت رویه در اخذ عوارض اجرا گردد.

۶. در آخر این‌که که سعی شود با استفاده از نظرات تخصصی از نقاط ضعف بازارچه‌ها کاسته شود و بر نقاط قوت آن بیفزایند و آن‌ها را در راه رسیدن به اهدافشان که اهداف بسیار مهم ارزشمندی است، کمک کنند.

منابع

- ازکیا، مصطفی و غفاری. غلامرضا، ۱۳۸۴. *جامعه‌شناسی توسعه*، تهران انتشارات کیهان.
- «اهداف و وظایف بازارچه‌های مرزی و نقش گمرک»، ۱۳۷۸، نشریه گمرک جمهوری اسلامی، شماره ۳۵.
- بیتس. دانیل و فرد پلاگ، ۱۳۷۵. *انسان‌شناسی فرهنگی*، مترجم: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی، چاپ اول.
- پیشرو. حمدالله، ۱۳۷۹. «بازارچه مرزی بوشهر- قطر و تأثیر مبادلات مرزی در توسعه اقتصادی استان»، دفتر برنامه‌ریزی و تحقیقات اداره کل بازرگانی استان بوشهر.
- حکیم‌زاده. فریدون، ۱۳۸۳. *سردشت در آینه اسناد تاریخی*، سردشت: ناشر مؤلف، چاپ اول.
- رازینی. ابراهیم و باستانی. علیرضا، ۱۳۸۱. «بررسی نقش و عملکرد بازارچه‌های مرزی در اقتصاد ایران طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۱». دفتر مطالعات اقتصادی، معاونت برنامه‌ریزی و بررسی‌های اقتصادی». روزنامه جام جم، ۱۳۸۳/۹/۱۶.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی ۱۳۷۸. *اولین گزارش ملی توسعه انسانی جمهوری اسلامی ایران*. «طرح ایجاد بازارچه مشترک مرزی در سیستان و بلوچستان»، ۱۳۷۲. دفتر هماهنگی و پیگیری مصوبه و طرح‌های محور شرق سیستان و بلوچستان.
- عبدالله پور. جمال، ۱۳۸۴. «بررسی تجارت مرزی در روستاهای مرز نشین سردشت»، پایان‌نامه کارشناسی دانشگاه شهید بهشتی.
- عرب مازار یزدی. علی، ۱۳۸۴. *اقتصاد سیاه در ایران*، تهران: انتشارات مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- فخرفاطمی. علی اکبر، ۱۳۸۳. «نقش بازارچه‌های مرزی در تثبیت جمعیت و توسعه روستایی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی.
- فکوهی. ناصر، ۱۳۸۲. *تاریخ آندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی*، تهران: نشر نی.
- قانون مقررات صادرات و واردات، مصوب سال ۱۳۴۴.
- کریمی. سمیه، ۱۳۸۴. «مطالعه انسان‌شناسی بازار تهران با تأکید بر رویکرد انسان‌شناسی اقتصادی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- ماهنامه بررسی‌های بازرگانی، ۱۳۷۶. شماره ۱۱۹.
- متوسلی. محمود، ۱۳۸۲. *توسعه اقتصادی: مفاهیم، مبانی نظری، رویکرد نهادگرایی و روش‌شناسی*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- نادرپور. محمود، ۱۳۵۸. «برنامه‌ریزی منطقه‌ای و سیاست عدم تمرکز در ایران؛ عامل و نتایج»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
- اصغری خانقاه. اصغر، ۱۳۸۱. «مردم‌شناسی فرهنگی بازار»، *نامه علوم اجتماعی*، بهار و تابستان ۸۱.
- نورث. داگلاس، ۱۳۷۷. *تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی*، مترجم: محمدرضا معینی، چاپ یکم، سازمان برنامه و بودجه، مرکز اسناد و مدارک.
- نورث. داگلاس، ۱۳۸۳. «اقتصاد، فرهنگ و نهادهای اجتماعی»، ترجمه موسی غنی‌نژاد روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۵۷۱.
- وبلن. تورنشتین، ۱۳۸۳. *نظریه طبقه مرفه*، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران نشر نی.

- وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۷۱. «بررسی روند تشکیل بازارچه‌های مشترک مرزی و تحلیل وضعیت فعلی آن‌ها»، کمیته فنی ستاد تنظیم اقتصادی.
- وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۷۵. «بررسی عملکرد بازارچه‌های مشترک مرزی و تبیین راه‌هایی در جهت بهبود روند مذکور و بررسی جایگزین‌های مناسب»، تهران: معاونت امور اقتصادی، وزارت امور اقتصادی و دارایی.
- وزارت بازرگانی، ۱۳۷۹. «تحلیلی از وضعیت بازارچه‌های مشترک مرزی از آغاز فعالیت تاکنون»، معاونت برنامه‌ریزی و بررسی‌های اقتصادی، دفتر پژوهش و بررسی‌های اقتصادی.
- وزارت بازرگانی، ۱۳۸۳. قانون مقررات صادرات و واردات.

Amin. A, 1999, *An Institutional Perspective on Regional Economic Development*, Blackwell Publishers.

Egbet. Henrik, 2006, "Cross-border Small-scale Trading in South-Eastern Europe: Do Embeddedness and Social Capital Explain Enough?", *International Journal of Urban and Regional Research*, Volume 30.2 June.

